



گزارشگری مالی متقلبانه از دیدگاه اجزای نظریه پنج ضلعی تقلب

محمدحسین ستایش*، رضا منفرد**

چکیده

رسوایی‌های مالی مبتنی بر حسابداری ناشی از گزارش‌های مالی تقلبی بر بازارهای مالی تأثیر منفی گذاشته و باعث از بین رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران گردیده است. برای ایجاد و حفظ اعتماد در بازارهای مالی باید کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد و برای افزایش کیفیت گزارش‌های مالی نیز باید ریسک‌های گزارشگری مالی متقلبانه شناسایی شوند. بر همین اساس، این مطالعه با استفاده از دیدگاه پنج ضلعی تقلب، به بررسی این که آیا فشار، فرصت، توجیه، توانایی و غرور با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه دارد یا خیر، انجام شده است. در این مطالعه از اطلاعات ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون لجستیک نشان داد که فشار ناشی از حاشیه سود ناخالص، رشد فروش و همچنین نسبت بدهی با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج مطالعه رابطه فرصت ناشی از نظارت کارآمد (استقلال هیئت مدیره) و نیز توجیه ناشی از گزارشگری مالی متقلبانه بودند.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری مالی متقلبانه، نظریه پنج ضلعی تقلب، سازمان بورس و

اوراق بهادار تهران

مقدمه

صورت‌های مالی سالیانه و سایر اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت‌ها که در دسترس عموم قرار دارند، درک استفاده‌کنندگان در رابطه با چگونگی اداره امور واحد‌های تجاری را تقویت می‌کند. هدف اصلی گزارشگری مالی شرکت‌ها، ارائه پیامد اقتصادی رویدادها و عملیات مالی بر شرایط و عملکرد واحد تجاری جهت کمک به استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی به منظور اتخاذ تصمیم‌های مالی مناسب می‌باشد. چرا که سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی سودآوری و ارزش شرکت‌ها به گزارش‌های مالی شرکت‌ها اتکا می‌کنند. از سوی دیگر، مدیران ممکن است به منظور حداکثر کردن منافع شخصی خود دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه زده و کیفیت گزارش‌های مالی را تحت تاثیر قرار دهد. در واقع ارائه گزارش‌های مالی نادرست را می‌توان تلاش فریبکارانه واحد تجاری جهت گمراه نمودن استفاده‌کنندگان از طریق اطلاعات منتشر شده در صورت‌های مالی بیان نمود. صورت‌های مالی نادرست هم شامل تقلب و هم شامل اشتباهات حسابداری می‌شود که در بسیاری از شرکت‌ها رایج می‌باشند که در سال‌های گذشته با در نظرگیری به تضاد منافع، عملکرد ضعیف مدیریتی و هزینه‌های بروکراسی افزایش یافته است (پسندیده‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

در عصر حاضر از تقلب به عنوان جدی‌ترین مخاطره و تهدید برای مشاغل، دولت‌ها و سرمایه‌گذاران یاد می‌شود. در واقع، این امر قابلیت اطمینان بازار سرمایه، مدیران شرکت‌ها و حتی حرفه حسابرسی را تهدید می‌کند؛ به ویژه حساب‌رسان، که با ناتوانی آشکار خود در کشف تقلب در مقیاس بزرگ روبرو هستند. تقلب یکی از خطرات پنهان است که دنیا را تهدید می‌کند و طی چند سال گذشته روند صعودی داشته است. به طوری که در دهه اخیر حدود چهار برابر شده است و آثار آن کماکان ادامه دارد (ساریخانی و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این، هر سال به طور متوسط پنج درصد از درآمدهای شرکت‌های در معرض کلاهبرداری با ضرر متوسط ۲۰۷ میلیون دلار در هر مورد قرار می‌گیرد که مجموع ضرر ۶۰۳ میلیارد دلاری را تشکیل می‌دهد. شایع‌ترین نوع کلاهبرداری، فساد و به دنبال آن سوء استفاده از دارایی‌های دولتی و گزارشگری مالی است (انگریو سوریانی، ۲۰۲۱).

تقلب در گزارشگری مالی علاوه بر این که برای صاحبان شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران پیامدهای منفی دارد، به کارکنان، بانک‌ها و همچنین موسسات حسابرسی نیز آسیب‌های

مالی و غیرمالی وارد می‌کند. گزارشگری متقلبانه و رسوایی‌های آن موجب سلب اعتماد عمومی از شرکت‌ها و موسسات حسابرسی نیز می‌گردد (پسندیده فرد و همکاران، ۱۳۹۹).

افزون بر این، با توجه به عضویت سازمان بورس و اوراق بهادار در مجامع بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار، لزوم بهبود و ارتقاء کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌ها، اهمیت جذب سرمایه‌گذاران خارجی، افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده و همچنین استمرار روند خصوصی‌سازی، در کشور ایران نیز توجه به گزارشگری مالی متقلبانه و عوامل موثر بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

همچنین، علی‌رغم وجود تئوری‌ها و دیدگاه‌های متفاوت مربوط به عوامل ایجادکننده تقلب که هر کدام از این تئوری‌ها در تلاشند تا عناصر شکل‌گیری تقلب را بیان کنند، مطالعه تحقیقات پیشین داخلی یک شکاف اساسی تحقیقاتی را در زمینه گزارشگری مالی به ویژه از دیدگاه پنج ضلعی تقلب نشان می‌دهد. یکی از نظریه‌هایی که اغلب مطالعات پیشین به آن توجه نموده‌اند، نظریه مثلث تقلب^۲ است که سه عامل را در بروز تقلب یعنی انگیزه (فشار)، فرصت و نگرش (توجیه) در نظر می‌گیرد. برخلاف تحقیقات قبلی که عمدتاً از نظریه مثلث تقلب استفاده می‌کردند، این تحقیق از نظریه پنج ضلعی تقلب با در نظر گرفتن دو عامل اضافی یعنی توانایی و غرور استفاده می‌کند (انگرنی و سورانی، ۲۰۲۱). بنابراین، این تحقیق توصیف آشکارتری از عوامل مؤثر بر تقلب در گزارشگری مالی ارائه می‌کند و به جای اینکه فقط تقلب را در شرکت‌های نمونه پیش‌بینی کند، سطح دقت بیشتری را در کشف تقلب ارائه می‌کند.

به طور کلی این مطالعه به دنبال تجزیه و تحلیل تاثیر اجزای پنج ضلعی تقلب که شامل انگیزه، فرصت، نگرش، توانایی و غرور می‌باشد، بر گزارشگری مالی است. بر همین اساس، این مطالعه تلاش می‌کند با بسط ادبیات گزارشگری مالی متقلبانه و با استفاده از تئوری پنج ضلعی تقلب الگوی جامع‌تری از عوامل و ریشه‌های شکل‌گیری تقلب را ارائه نماید تا از طریق شناسایی این عوامل بتوان اقدامات موثرتری جهت پیشگیری و کاهش گزارشگری مالی متقلبانه صورت داد. بنابراین، نتایج این پژوهش می‌تواند برای گروه‌هایی از جمله مدیران شرکت‌ها، سهامداران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی، دولت به عنوان متولی اصلی اقتصاد کشور، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و همچنین حسابرسان داخلی و مستقل جهت اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی نظری و پیشنهاد

صورت‌های مالی به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی مهم و در دسترس بازار سرمایه و ابزاری اساسی جهت انتقال اطلاعات از شرکت‌ها به کلیه استفاده‌کنندگان و همچنین تدوین‌کنندگان استانداردها می‌باشد که می‌تواند نقش مهمی در توسعه سرمایه‌گذاری و بهبود کارایی داشته باشد. گزارشگری مالی بر ارائه و مخابره اطلاعات کافی و قابل اهمیت در صورت‌های مالی تاکید دارد و بدنبال افشای اطلاعات مربوط در صورت‌های مالی است، به شکلی که از یک سو، امکان تصمیم‌گیری‌های مناسب برای استفاده‌کنندگان فراهم شده و از سویی دیگر، موجب گمراهی استفاده‌کنندگان نگردد. در واقع، گزارش‌های مالی باید به استفاده‌کنندگان اطلاعات قابل اعتمادی به منظور تصمیم‌گیری آگاهانه ارائه دهد. گزارش‌های مالی باید دربرگیرنده اطلاعات مربوط، قابل اعتماد، قابل فهم و درک و قابل مقایسه باشد. افزایش کیفیت گزارشگری مالی ابزاری جهت پاسخگویی به مسئولیت‌های اجتماعی واحدهای تجاری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچه کیفیت گزارش‌های مالی و مدیریتی واحدهای تجاری بالاتر باشد تصمیم‌گیرها کارآمدتر است و هرچه کیفیت افشا افزایش یابد، اطلاعات ارائه شده معتبرتر است و پیامدهای عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. همچنین، کیفیت گزارشگری مالی باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان بهتر بتوانند جریان‌های نقدی آتی شرکت را پیش بینی کنند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ اخگر و کرمی، ۱۳۹۳).

مطابق استانداردهای حسابداری، مسئولیت تهیه و ارائه صورت‌های مالی بر عهده هیئت مدیره و یا سایر ارکان حاکمیتی واحد تجاری می‌باشد. با افزایش اختیارات در ساختاری حاکمیتی شرکت، مدیران ممکن است جهت حداکثر کردن منافع شخصی خود دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ای مانند ارائه نادرست اطلاعات، بزنند که می‌تواند منافع سهامداران و ذینفعان را با ریسک بیشتری مواجهه کند. ارائه گزارش‌های مالی نادرست را می‌تواند دسیسه واحدهای تجاری جهت گمراه ساختن استفاده‌کنندگان از اطلاعات موجود در صورت‌های مالی بیان نمود. صورت‌های مالی نادرست می‌تواند شامل اشتباه و تقلب باشد. (پسندیده‌فر و همکاران، ۱۳۹۹).

تقلب نوعی دزدی با فریب دیگران است که با روش‌های مختلف فریبکاری و به منظور سرقت دارایی‌های سازمان یا شخص دیگر صورت می‌گیرد. برای این که یک عمل به عنوان

تقلب شناخته شود، مرتکب شونده می‌بایست از عمل فریبکارانه خود آگاهی داشته و اراده انجام فریب را نیز داشته باشد؛ گروه قربانی یا فریب خورده نیز از زیان‌های ایجاد شده، رنج برده و دچار لطمه گردد (برنا و همکاران، ۱۴۰۱). واژه تقلب مطابق بند ۱۱ استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران (تجدیدنظر شده ۱۳۹۴) این گونه تعریف شده است: «تقلب هر گونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان راهبری، کارکنان یا اشخاص ثالث که متضمن فریبکاری برای برخورداری از یک مزیتی ناروا یا غیرقانونی است».

اظهارات و صورت‌های مالی متقلبانه غالباً به نوعی از کلاهبرداری گفته می‌شود که مضرت‌ترین تأثیر را دارد. تقلب در صورت‌های مالی عملی است که عمداً توسط یکی از طرفین انجام می‌شود یا در ارائه گزارش مالی دچار اشتباه می‌شود و دارای ارزش خطای بااهمیتی است که در نهایت منجر به تحریف اشتباه صورت‌های مالی می‌شود. تقلب ممکن است شامل موارد مختلفی از جمله، جعل یا تغییر اسناد حسابداری یا سایر اسناد به منظور دستیابی به منافع مالی ناعادلانه و غیرقانونی، سو استفاده از دارایی یا سرقت آنها، ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آنها، معاملات بدون اسناد مثبت (معاملات رودرویی و مخفیانه)، استفاده نادرست از رویه‌های حسابداری و... باشد (رحمانیان کوشککی و نویدی، ۱۳۹۹).

تئوری‌های مربوط به ارتکاب تقلب در گزارشگری مالی

تئوری مثلث تقلب

تئوری مثلث تقلب پیشرو تئوری‌هایی است که دلایل اعمال گزارشگری متقلبانه را در ادبیات کلاسیک حسابداری توضیح می‌دهند. در سال ۱۹۵۰، دونالد کرسی^۳، جرم‌شناس، مطالعه تقلب را با این استدلال شروع کرد که در پس هر کاری که افراد انجام می‌دهند باید دلیلی وجود داشته باشد. سؤالاتی مانند اینکه چرا افراد مرتکب تقلب می‌شوند، او را بر آن داشت تا تحقیقات خود را بر روی آنچه که افراد را به نقض اعتماد سوق می‌دهد متمرکز کند؟ او با ۲۵۰ مجرم در یک دوره ۵ ماهه مصاحبه کرد که رفتار آنها دو شاخص داشت: (۱) در ابتدا افراد با حسن نیت مسئولیت‌ها را می‌پذیرند و (۲) شرایط باعث می‌شود آنها اعتماد را نقض کنند. او می‌گوید که سه عامل (فشار، فرصت و منطقی‌سازی) باید وجود داشته باشد تا یک جرم رخ دهد. کرسی در ادامه بیان می‌کند: «متخلفان اعتماد، هنگامی

که خود را در معرض مشکل مالی می‌بینند که قابل اشتراک نمی‌باشد و دانش یا آگاهی دارند که می‌توان این مشکل را مخفیانه با نقض موقعیت اعتماد مالی حل کرد. همچنین، آنها می‌توانند برای رفتار خود در آن موقعیت، واژه‌هایی را به کار ببرند که اعمال متقابلانه خود را توجیه سازد. به طور کلی، بر اساس تئوری مثلث تقلی کرسی، اگر انگیزه‌ها، فرصت‌ها و توجیه‌سازی‌ها ترکیب شوند، وقوع اعمال متقابلانه افزایش می‌یابد (منصور و عبداللهی^۴، ۲۰۱۵).

تئوری الماس تقلب

تئوری الماس تقلب برای اولین بار توسط وولف و هرمانسون^۵ در سال ۲۰۰۴ ارائه شد. تئوری الماس تقلب به عنوان یک نسخه بسط یافته از تئوری مثلث تقلب در نظر گرفته می‌شود. در این تئوری عنصری به نام قابلیت به سه جزء اولیه تئوری مثلث تقلب اضافه شده است. وولف و هرمانسون (۲۰۰۴) استدلال کردند که اگرچه فشار ادراک شده ممکن است همزمان با یک فرصت و یک توجیه‌سازی وجود داشته باشد، اما بعید است که تقلب صورت گیرد، مگر اینکه قابلیت (عنصر چهارم) نیز وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، اقدام کننده باید به طور بالقوه مهارت و توانایی ارتکاب تقلب و کلاهبرداری را داشته باشد. آنها بیان کردند که فرصت، راه را برای تقلب باز می‌کند و انگیزه (یعنی فشار) و توجیه‌سازی، فرد را به سمت اعمال تقلب هدایت می‌کند. با این حال، توانایی، فرد را قادر می‌سازد تا شرایط پیش آمده را به عنوان یک فرصت تشخیص دهد و با عبور پیاپی از آن استفاده کند (وولف و هرمانسون، ۲۰۰۴).

هر فردی که دارای انگیزه، فرصت و توجیه‌سازی است ممکن نیست به دلیل فقدان توانایی انجام آن یا پنهان کردن آن، مرتکب تقلب شود. عنصر قابلیت هنگامی که به تقلب در مقیاس بزرگ یا طولانی مدت مرتبط می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. در حقیقت، بر اساس این تئوری، تنها فردی که دارای توانایی بالایی است قادر به درک کنترل داخلی موجود، شناسایی نقاط ضعف آن و استفاده از آنها در برنامه‌ریزی اجرای تقلب خواهد بود.

تئوری مربع تقلب

مارکس^۶ (۲۰۱۲) نظریه پنج ضلعی تقلب پنتاگون را با توسعه نظریه مثلث تقلب با افزودن دو عنصر جدید که عبارتند از توانایی و غرور، توسعه داد. اساس استدلال مارکس

(۲۰۱۲) در تکمیل نظریه مثلث تقلب به نظریه پنج ضلعی تقلب این است که تغییراتی در محیط و شیوه‌های تجاری دهه ۱۹۵۰ در مقایسه با شرایط دهه اخیر ایجاد شده است. واحدهای تجاری در گذشته تلاش می‌کردند تا دامنه عملیاتی در مقیاس محلی/منطقه‌ای داشته باشند، تامین کنندگان کمی داشته باشند، ساختار سازمانی ساده‌ای داشته باشند؛ با این حال، امروزه واحدهای تجاری تلاش می‌کنند تا به شرکتی با ویژگی‌ها و مقیاس جهانی، فروشندگان با شبکه جهانی، ساختار سازمانی ماتریسی شکل و عدم حضور صاحبان در مدیریت کسب و کار که به مدیران تفویض شده‌اند تبدیل شوند (مارکس، ۲۰۱۲).

با توجه به تحقیقات مارکس (۲۰۱۲)، ۸۹ درصد از موارد کلاهبرداری و تقلب توسط کارکنان در سطح مدیریت سطح بالا، یعنی توسط مدیران اجرایی و مدیر ارشد مالی انجام می‌شود. همچنین، ۷۰ درصد از مشخصات مرتکبان تقلب و کلاهبرداری ناشی از غرور (طمع) و فشار فردی است. مارکس (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که سطح تکبر یک مدیر شرکت دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. شخصیتی که اعتماد به نفس بالایی دارد و دارای ذهنیت «مدیرعامل مشهور» است.
۲. داشتن این ایده که اعمال کنترل‌های داخلی نمی‌تواند از فعالیت‌های تقلبی که انجام می‌دهند جلوگیری کند.
۳. داشتن رفتاری که اغلب باعث ترساندن زیردستان و/یا همکاران می‌شود.
۴. داشتن سبک مدیریت خودکامه و مستبد و
۵. داشتن ترس از دست دادن موقعیت و/یا شرایطی که به دست آمده است.

تئوری نمایندگی

تئوری نمایندگی که توسط جنسن و مک‌لینگ^۷ (۱۹۷۶) در حوزه ادبیات مدیریت مطرح گردید، بر اساس دیدگاه‌های اقتصادی و با پیش فرض وجود تضاد منافع بنا شده و به توصیف رابطه اصل - نماینده، (به عنوان مثال سهامدار - مدیر) می‌پردازد. به عبارتی دیگر، این تئوری بیان می‌کند که مالک (اصل) میزانی از اعتماد و مسئولیت را به مدیر انتقال می‌دهد و در عین حال، مدیر نیز فرصت طلب می‌باشد و در جهت منافع شخصی خود که می‌تواند شامل تقلب نیز گردد، هرچند به ضرر مالک، اقدام نماید. این درگیری و تضاد منافع بالقوه میان مالک و نماینده، مشکل نمایندگی نامیده می‌شود.

تئوری مباشرت^۸

تئوری مباشرت در مقابل تئوری نمایندگی است که از ادبیات روان‌شناسی اقتباس شده است و مدیران را به عنوان مباشرانی که منافع شرکت را به منافع شخصی خود ترجیح می‌دهند در نظر می‌گیرد. از این رو، هیئت مدیره به جای استفاده از ابزار کنترلی، بدنبال آن است که اختیارات و قدرت مدیران را افزایش دهد. تئوری مباشرت همانند تئوری نمایندگی، نقاط مشترک منافع مدیران و سهامداران را جستجو می‌کند و در مورد رفتار پیچیده مدیران که آیا از اعتماد سهامداران یا هیئت مدیره سوء استفاده (به عنوان مقال، اقدام به تقلب) می‌کنند یا خیر؟، نمی‌تواند توضیح دهد. به عنوان مثال، عدم استقلال درونی هیئت مدیره نسبت به مدیران، تحت تئوری مباشرت می‌تواند شایسته نكوهش باشد (مهرانی و حصارزاده، ۱۳۸۷).

تئوری اعتماد شکسته شده^۹

تئوری اعتماد شکسته شده که توسط آلبرچ و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۴) جهت توضیح تقلب مدیریت واحدهای تجاری مطرح شده، بر پایه دو نوع تئوری نمایندگی و تئوری مباشرت می‌باشد. تقلب مدیران در این تئوری به صورت ماتریس نشان داده می‌شود و به سه عنصر رفتار مدیران ارشد اجرایی، ساختار شرکت و قراردادهای جبران خدمات مدیریت ذیل تئوری‌های مباشرت و نمایندگی ارتباط پیدا می‌کند. آنها بیان می‌کنند که هرچه مدیران با تئوری مباشرت سازش بیشتری پیدا کنند، درست‌کارتر بوده و یا حداقل کمتر مرتکب تقلب می‌شوند. آنها اعتقاد دارند که تئوری مباشرت و نمایندگی در یک عنصر اشتراک دارند و آن انتقال بخشی از اعتماد سهامداران به مدیران است و زمانی که مدیری تقلبی را مرتکب می‌شود، به این معنی است که عمداً این اعتماد را شکسته است و در مقابل سهامداران و ذینفعان عهد شکنی و خیانت کرده است.

تئوری شرایط ناهنجاری

تئوری شرایط ناهنجاری بر این مبنا است که انگیزه ارتکاب جرم، الزاما در نتیجه کاستی‌ها، شکست‌ها و وجود گزینه‌های گوناگون در دسترس نیست و می‌بایست به محیط فرهنگی-اجتماعی که فرد در آن به فعالیت می‌پرداخته، توجه نمود؛ که فقدان معیارها و محدودیت‌های رفتاری قابل قبول در اجتماع، می‌تواند موجب رفتارهای منحرف مانند تقلب مدیران گردد (مهرانی و حصارزاده، ۱۳۸۷).

تئوری رویایی آمریکایی جرم

این تئوری تشریح می‌کند در جوامعی که شرکت‌های عظیم و بین‌المللی بر آنها سایه افکنده‌اند، دنبال کردن موفقیت‌های پولی در آن جوامع به عنوان هدف، به یک فرهنگ رایج و عمومی مبدل می‌شود و هنگامی که به هر وسیله‌ی ممکن دنبال موفقیت‌های پولی باشند، فرهنگ‌های نابه‌نجار شکل می‌گیرد که در نهایت می‌تواند منجر به ارتکاب تقلب گردد. (مهرانی و حصارزاده، ۱۳۸۷).

مبانی نظری و بسط فرضیه‌ها

برای شرکت‌ها ضروری است که تقلب را از مراحل اولیه شناسایی کنند. تشخیص تقلب می‌تواند با تکیه بر نظریه پنج ضلعی تقلب انجام شود. این نظریه بسط تئوری مثلث تقلب است که با افزودن عناصری از جمله غرور و توانایی، تئوری مثلث تقلب را تکمیل می‌کند. بنابراین، مدل پنج ضلعی تقلب از پنج مؤلفه شامل انگیزه یا فشار، فرصت، توجیه یا نگرش، توانایی و غرور تشکیل شده است.

اولین جزء در پنج ضلعی تقلب انگیزه یا فشار است. انگیزه یا فشار را می‌توان به منبع گرمایی تشبیه کرد که باعث آتش‌سوزی یا یک عمل متقلبانه می‌شود. تحقیقاتی وجود دارد که می‌گوید فرصت، سوختی است که آتش را روشن نگه می‌دارد و موجب می‌شود که یک عمل تقلبی رخ دهد. در حالی که توجیه و منطقی‌سازی نیز همچون اکسیژن برای یک عمل نقض تشبیه می‌شود (لیستر^{۱۱}، ۲۰۰۷). فشار را می‌توان به چهار وضعیت طبقه‌بندی کرد: ثبات مالی، فشار خارجی، نیازهای مالی شخصی و اهداف مالی. همچنین، فرصت را می‌توان به دو وضعیت طبقه‌بندی نمود که شامل: ماهیت صنعت و نظارت موثر می‌باشد.

زمانی که وضعیت مالی شرکت ناپایدار است، مدیریت موظف است وضعیت مالی شرکت را ثابت نگه دارد. زمانی که ثبات مالی سودآوری به دلیل وضعیت اقتصادی، صنعت یا وضعیت واحد عملیاتی ضعیف یا کمتر از حد متوسط باشد، مدیران برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی تحت فشار قرار می‌گیرند (اسکوزن و توند^{۱۲}، ۲۰۰۹). این همان چیزی است که باعث می‌شود مدیریت در صورت‌های مالی مرتکب تقلب شود، به خصوص از نظر دارایی، چرا که معمولاً یک شرکت در حال رشد برای توسعه تجارت خود به دارایی‌های بیشتری نیاز دارد. رشد تغییر در دارایی‌های شرکت اغلب به عنوان

شکلی از گزارشگری مالی متقبلانه توسط مدیریت استفاده می‌شود، بنابراین دارایی‌ها را می‌توان به عنوان نوعی از تقلب طبقه‌بندی کرد (آپرلیا^{۱۳}، ۲۰۱۷). بنابراین، از ثبات مالی که نشان دهنده درصد تغییر دارایی‌ها طی چند سال گذشته است می‌توان برای شناسایی صورت‌های مالی متقبلانه استفاده کرد.

علاوه بر این، فشار خارجی که توسط شخص ثالث برای برآورده کردن انتظارات وارد می‌شود از دیگر عواملی است که می‌تواند بر گزارشگری مالی متقبلانه اثرگذار باشد. شرکت‌هایی که تحت فشار بیش از حد هستند به منابع مالی اضافی از طریق بدهی نیاز دارند. هنگامی که مدیریت نقض پیمان بدهی را تجربه می‌کند، مدیر بیشتر بر اقلام تعهدی اختیاری تکیه می‌کند، که سپس بدهی را با افزایش اقلام تعهدی اختیاری تراز می‌کند. علاوه بر این، مدیران احساس خواهند کرد که این فشار به دلیل نیاز اضافی به دریافت بدهی بیشتر برای رقابتی ماندن رخ می‌دهد (اوکتاریگوستا^{۱۴}، ۲۰۱۷). نیاز شرکت به تامین مالی خارجی مربوط به وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی خواهد بود. بنابراین فشار خارجی را می‌توان با استفاده از نسبت اهرم پروکسی کرد. بر اساس تئوری و تحقیقات گذشته، می‌توان از فشار خارجی برای شناسایی صورت‌های مالی تقلبی استفاده کرد به طوری که فشار خارجی ممکن است بر صورت‌های مالی متقبلانه تأثیر مثبت داشته باشد (اوتاما و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۸). بر همین اساس، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: فشار (انگیزه) با گزارشگری مالی متقبلانه رابطه معناداری دارد.

از دیگر عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقبلانه می‌توان به نیاز مالی شخصی اشاره نمود. نیاز مالی شخصی در این تحقیق به نیازهای مالی سهامداران تحت مالکیت مدیران شرکت، یعنی هیئت مدیره، مدیر عامل و سایرین اشاره دارد. هنگامی که مدیران شرکت نقش مالی قوی در شرکت دارند، نیازهای مالی شخصی مدیران شرکت نیز بر عملکرد مالی شرکت تأثیر می‌گذارد. سهام متعلق به مدیران عامل می‌تواند بر سیاست‌های مدیریت در هنگام افشای عملکرد مالی شرکت تأثیر بگذارد (سورینانداریو و ویدیان^{۱۶}، ۲۰۱۸). بنابراین، اهداف مالی می‌تواند برای کشف تقلب در صورت‌های مالی استفاده شود. هدف مالی فشار بیش از حد مدیریت برای دستیابی به اهداف مالی شرکت است. مدیران شرکت موظفند بهترین عملکرد را داشته باشند و هدفشان دستیابی به اهداف مالی برنامه‌ریزی شده توسط شرکت است. شرکت‌ها عموماً اهداف مالی از جمله رشد سود سریع‌تر، سودآوری بیشتر، رشد درآمد بیشتر، سهم بیشتر،

بازده سهام بالاتر، افزایش قیمت سهام و سود پایدارتر در دوره‌های رکود را دنبال می‌کنند. به دلیل اهداف مالی زیادی که باید برآورده شوند، مدیریت فشار زیادی برای دستیابی به اهداف مالی شرکت خواهد داشت (ساباتیان و هوتابارات ۲۰۲۰، ۱۷).

افزون بر این، در مکانی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، محیط اقتصادی و مقررات صنعتی اغلب به یکی از حفره‌های شرکت‌ها برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی تبدیل می‌شوند. در صورت‌های مالی، حساب موجودی، توسط شرکت تعیین می‌شود و شرکت به‌عنوان یک طرف داخلی، اطلاعات بیشتری در اختیار دارد و این وضعیت می‌تواند برای تبدیل شدن به روزنه‌ای جهت تقلب استفاده شود (آپریانی^{۱۸}، ۲۰۱۹). بنابراین، خطر تقلب در صورت‌های مالی را می‌توان از طریق حساب موجودی کالا نیز مشاهده کرد.

نظارت ضعیف نیز فرصتی برای انجام تقلب در صورت‌های مالی فراهم می‌کند. نظارت ضعیف و غیرموثر شرایطی است که ناظر مؤثری که بتواند بر عملکرد شرکت نظارت داشته باشد، یافت نشود. نظارت ناکارآمد اغلب به دلیل تسلط گروه کوچکی از احزاب بر مدیریت رخ می‌دهد. به طوری که فرصت‌هایی را برای مدیران برای تقلب در صورت‌های مالی باز می‌کند. راه غلبه بر این مشکل البته نظارت بر مدیریت است. شرکت‌ها می‌توانند به طرف‌های خارجی به عنوان سرپرست اعتماد کنند، چرا که ناظران خارجی هیچ رابطه‌ای با مدیریت یا سرمایه‌گذاران ندارند و می‌توان گفت که احزاب خارجی مستقل‌تر هستند (انگرینی و سوریانی، ۲۰۲۱). بنابراین، فرضیه دوم پژوهش نیز به صورت زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه دوم: فرصت با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

یکی دیگر از مولفه‌های مهم تقلب، توجیه یا منطقی‌سازی است. منطقی‌سازی به متقلبان اجازه می‌دهد تا اشتباهات انجام شده را توجیه کنند. ارزیابی و تصمیم‌گیری ذهنی در ارزش تعهدی شرکت دیده می‌شود. توجیه و منطقی‌سازی، می‌تواند اقدامات در فعالیت‌های صورت‌های مالی متقلبانه را توجیه کند. صورت‌های مالی متقلبانه اغلب به دلیل اصرار مدیریت بر رویه‌های حسابداری متقلبانه‌ای است که مرتکب شده‌اند و در تعداد زیادی از اقلام تعهدی که در گزارش‌های مالی ظاهر می‌شود منعکس می‌شود (آپرلیا، ۲۰۱۷). بنابراین، فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر خواهد بود:

فرضیه سوم: توجیه‌سازی (نگرش) با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

علاوه بر سه عامل انگیزه یا فشار، فرصت و توجیه که در مطالعات مختلف تاثیر آنها بر

گزارشگری متقلبانه بررسی شده، در این مطالعه عوامل توانایی و غرور نیز مورد توجه قرار گرفته است. توانایی، تخصصی است که متعلق به یک فرد است و ترکیبی از مهارت‌های فردی و مهارت‌های مختلف کسب شده برای ارتکاب تقلب می‌باشد (عمر و دین^{۱۹}، ۲۰۱۰). به عقیده وولف و هرمانسون (۲۰۰۴) یک فرد مرتکب تقلب نمی‌شود مگر اینکه توانایی مناسب برای اجرای هر مرحله از تقلب را داشته باشد. موقعیت یک فرد به عنوان رئیس سازمان، مدیر عامل یا مدیر کلیدی برای ارتکاب تقلب به او فرصت می‌دهد. زیرا فرد با حفظ موقعیت شغلی می‌تواند از طریق توانایی خود در استفاده از موقعیتی که می‌تواند تعهد عمل متقلبانه او را تسهیل کند، دیگران را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، فرد متقلب معمولاً نه تنها توانایی، بلکه فرصت کسب منافع را نیز در اختیار دارد (اکتاریگوستا، ۲۰۱۷). با توجه به مطالب بیان شده، فرضیه چهارم به شرح زیر تبیین می‌شود:

فرضیه چهارم: توانمندی با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

در نهایت، مولفه غرور می‌باشد که می‌تواند گزارشگری مالی متقلبانه را تحت تأثیر قرار دهد. غرور بر اساس نسبت حقوقی که به شخص تعلق می‌گیرد، می‌باشد. از نظر فرد متکبر، نه رویه‌ها، نه سیاست‌ها و نه مقررات شرکت بر او تأثیر نمی‌گذارد. نگرش متکبرانه عموماً توسط افراد دارای قدرت و موقعیت‌های بالا در یک شرکت نشان داده می‌شود. یک موقعیت شغلی بالا، به عنوان مثال یک مدیر عامل مایل است با نمایش تعداد زیادی از عکس‌های خود در صورت‌های مالی، بیشتر برای عموم شناخته شود. رابطه بین غرور و گزارشگری متقلبانه را می‌توان در مطالعه پوپیتا و یاسا^{۲۰} (۲۰۱۸) مشاهده نمود که بیان می‌کنند غرور بر تقلب تأثیرگذار است. در نهایت، با توجه به آن چه بیان شد، فرضیه پنجم پژوهش به شرح زیر خواهد بود:

فرضیه پنجم: غرور با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

پیشینه تجربی

سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) در مطالعه خود الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی را از طریق ترکیب روش‌های کیفی با استفاده از تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک و با در نظر گرفتن رویکرد نظریه پردازی زمینه بنیان ارائه نمودند. نتایج پژوهش آنها نشان داد هزینه‌های سیاسی، انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها، انگیزه پاداش مدیران، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران بر گزارشگری مالی متقلبانه تأثیرگذار است.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و رعایت حقوق سهامداران بر احتمال گزارشگری متقلبانه در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که کیفیت حسابرسی بر احتمال گزارشگری متقلبانه اثر منفی و معناداری دارد و هرچه کیفیت حسابرسی افزایش یابد احتمال تقلب و مدیریت سود نیز کاهش خواهد یافت.

رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) در مطالعه خود به بررسی رابطه بین توانایی مدیریتی و ارتباطات سیاسی با گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدیران قوی و مقتدر می‌توانند تصمیم‌گیری‌های اثربخش‌تری را انجام دهند و با استفاده کارآمدتر از منابع واحد تجاری، عملکرد بهتری را به بار آورند که در نهایت گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش دهند. آنها همچنین به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه شرکت‌ها پرداختند و نشان دادند که هرچه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتر باشد، احتمال گزارشگری متقلبانه کاهش می‌یابد.

پسندیده فرد و همکاران (۱۳۹۹) عوامل مؤثر بر تقلب گزارشگری مالی را شناسایی و بررسی نمودند. نتایج آنها نشان داد که شاخص‌های وابستگی مالی صاحبکار، کیفیت حسابرسی، توانایی فنی حسابرس، انگیزه‌ها و وابستگی سیاسی و مذهبی، محیط اطلاعاتی شرکت، امنیت شرکت و بازار سرمایه، شهرت مدیریت، انگیزه‌های روحی و روانی بر گزارشگری مالی متقلبانه بیشترین تأثیرگذاری را دارند.

مطالعه لعل‌بار و حسنی (۱۴۰۰) نیز در بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر گزارشگری متقلبانه و همچنین، نقش ارتباطات سیاسی بر آن، رابطه معکوس بین توانایی مدیریتی شرکت‌ها و گزارشگری مالی متقلبانه را تایید نمودند. همچنین، آنها نشان دادند ارتباطات سیاسی نمی‌تواند بر رابطه بین توانایی مدیریتی و گزارشگری متقلبانه تأثیر گذارد.

تقفی و حسن‌زاده (۱۴۰۰) در مطالعه خود به بررسی تأثیر نگرش چهارگانه مدیریت به ریسک بر وقوع گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند و نتایج نشان داد که اثرگذاری نگرش مدیریت به ریسک در پیدایش گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر گذار است. در حقیقت، آنها نشان دادند که گزارشگری مالی متقلبانه، از طریق چهار الگوی نگرش مدیریت به ریسک ظهور پیدا می‌کند، به بیان دیگر، زمانی که احتمال زیان منبع زیاد یا احتمال سود منبع کم باشد، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه افزایش می‌یابد.

اسماعیلی کیا و اوشنی (۱۴۰۱) در مطالعه خود نشان دادند که پایداری مالی برحسب رشد دارایی‌ها با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین، کیفیت سازوکارهای راهبری شرکتی باعث تضعیف رابطه بین رشد دارایی‌ها و گزارشگری مالی متقلبانه می‌شود.

زین‌الدین و هاشم^{۲۱} (۲۰۱۶) به تجزیه و تحلیل نقش نسبت‌های مالی در تشخیص گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند و دریافتند که اهرم مالی، ترکیب دارایی، سودآوری و گردش سرمایه پیش‌بینی‌کننده‌های قابل توجهی برای گزارشگری مالی متقلبانه هستند. در مطالعه اوزچلیک^{۲۲} (۲۰۲۰) نشان داده شد که بین سطح بدهی، سودآوری دارایی، مؤسسه حسابرسی مستقل، مبادلات حسابرِس و سطح نهادینه‌سازی و گزارش‌های مالی متقلبانه رابطه منفی و معکوسی وجود دارد.

انگرنی و سوریانی^{۲۱} (۲۰۲۱) در مطالعه خود با استفاده از تئوری پنج ضلعی تقلب نشان دادند که فشار، فرصت و توجیه اثرات معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه دارند اما بین توانمندی و غرور با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه‌ای وجود ندارد.

دمتریادس و اووسو آگیئی^{۲۳} (۲۰۲۲) عوامل موثر بر گزارشگری مالی تقلبی را با استفاده از تئوری الماس تقلب (فشار، فرصت، توجیه و توانایی) مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که فشار ناشی از بازده دارایی‌ها، فرصت ناشی از نظارت ناکارآمد، توجیه‌سازی مبتنی بر نظر حسابرسی و توانایی مبتنی بر تغییرات اعضای هیئت مدیره رابطه متوسط تا قوی با گزارشگری مالی متقلبانه دارند.

لی^{۲۴} (۲۰۲۳) عواملی را که به تقلب در گزارشگری مالی شرکت‌هایی که پیش از این در معرض ریسک ارتکاب تقلب بودند مورد بررسی قرار داد و دریافت که ارتباط متقابل بین اعضای تیم مدیریت ارشد، به‌ویژه ارتباطاتی که خارج از شرکت ایجاد شده‌اند، به طور مثبت با تقلب در گزارشگری مالی مرتبط است. همچنین، اثر ارتباط متقابل اعضای تیم مدیریت ارشد بر تقلب در شرکت‌هایی با مدیران مدیرعامل قدرتمندتر، مشهودتر است. وی بیان می‌کند ارتباط متقابل اعضای تیم مدیریت ارشد باعث ترویج تفکر گروهی می‌شود که با فرآیندهای تصمیم‌گیری ناکارآمد مرتبط است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است، چرا که هدف آن بسط و گسترش دانش کاربردی در زمینه‌ای خاص می‌باشد. این پژوهش از نظر روش، از نوع پژوهش توصیفی بر پایه تحلیل رگرسیونی است که از روش تحلیل داده‌های ترکیبی بهره گرفته شده است. همچنین این پژوهش جزو پژوهش‌های همبستگی می‌باشد، چرا که در آن همبستگی بین متغیرها مطابق با اهداف پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در جامعه آماری تحقیق از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است و نمونه آماری نیز شامل ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ است که با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب شدند. برای این منظور شرکت‌های که دارای ویژگی‌های زیر نبودند از نمونه آماری حذف شده:

۱. شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۹۵ در بورس پذیرفته شده‌اند،
 ۲. شرکت‌های هلدینگ، واسطه‌گری‌های مالی، سرمایه‌گذاری‌ها و بانک‌ها
 ۳. شرکت‌هایی که در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ در بورس فعال نبوده‌اند و
 ۴. شرکت‌هایی که در زمان تحقیق اطلاعات مورد نیاز آنها در دسترس نبوده است.
- داده‌های مورد نیاز پژوهش از گزارش‌های انتشار یافته سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و نرم افزار ره آورد نوین گردآوری شده است و از نرم افزار Eviews برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

ساختار داده‌ها در این پژوهش، ترکیبی از سری‌های زمانی و مقطعی است، که این عامل باعث می‌شود استفاده از رگرسیون ساده (مقطعی) و یا رگرسیون سری‌های زمانی به تنهایی مناسب نباشد؛ لذا در تحقیق حاضر از مدل رگرسیون لجستیک چند متغیره مبتنی بر داده‌های پانل استفاده شده است، زیرا از دو جنبه متفاوت به رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پرداخته می‌شود.

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مطابق با مطالعه آنگرینی و سورینانی (۲۰۲۱) از مدل‌های زیراستفاده شده است:

فرضیه اول:

$$\text{FRAUD}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{GPM}_{i,t} + \beta_2 \text{Sgrowth}_{i,t} + \beta_3 \text{Achange}_{i,t} \\ + \beta_4 \text{Salar}_{i,t} + \beta_5 \text{Salta}_{i,t} + \beta_6 \text{Invsal}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} \\ + \beta_8 \text{Own}_{i,t} + \beta_9 \text{ROA}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه دوم:

$$\text{FRAUD}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Receivable}_{i,t} + \beta_2 \text{Inventory}_{i,t} + \beta_3 \text{Bdout}_{i,t} \\ + \beta_4 \text{Audcsize}_{i,t} + \beta_5 \text{IND}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه سوم:

$$\text{FRAUD}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Audchang}_{i,t} + \beta_2 \text{Audreport}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه چهارم:

$$\text{FRAUD}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Changedir}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه پنجم:

$$\text{FRAUD}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Dualismposisi}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن متغیرهای مربوط به عامل انگیزه یا فشار عبارتند از:

GPM حاشیه سود ناخالص که برابر است با نسبت سود ناخالص به کل فروش شرکت، Sgrowth رشد فروش شرکت و برابر است با نسبت تفاضل فروش دوره جاری و فروش دوره قبل به فروش دوره قبل،

Achange رشد دارایی‌ها و برابر است با نسبت تفاضل دارایی‌های دوره جاری و دارایی دوره قبل به دارایی‌های دوره قبل،

Salar برابر است با نسبت حساب‌های دریافتی به فروش،

Salta برابر است با نسبت فروش به کل دارایی‌ها،

Invsal برابر است با نسبت موجودی کالا به فروش،

Lev برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها،

Own مالکیت مدیریتی بوده و برابر است با درصد سهام مدیریتی که بیش از ۵ درصد از سهام موجود را در اختیار دارد،

ROA بازده دارایی و برابر است با نسبت سود به کل دارایی‌ها،

همچنین، متغیرهای مربوط به عامل فرصت عبارتند از:

Receivable برابر است با تفاضل نسبت حساب‌های دریافتی به فروش دوره جاری و

دوره گذشته،

Inventory برابر است با تفاضل نسبت موجودی کالا به فروش دوره جاری و دوره گذشته، Bdout استقلال هیئت مدیره و برابر است با نسبت اعضای غیرموظف در هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره،

Audsize برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی،

IND استقلال کمیته حسابرسی و برابر است با نسبت اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی،

شاخص‌های مرتبط با عامل توجیه شامل:

Audchang یک متغیر ساختگی است و در صورتیکه حسابرس تغییر نماید عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌گیرد،

Audreport یک متغیر ساختگی است و در صورتی که گزارش حسابرس از مشروط باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌گیرد،

شاخص مربوط به متغیر توانایی، تغییر مدیر است که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

Changedir یک متغیر ساختگی است که برای تغییر مدیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود،

و در نهایت، جهت بررسی شاخص غرور از شاخص سمت دو گانه مدیر به شرح زیر استفاده می‌شود:

Dualismposisi یک متغیر ساختگی است که اگر اعضای هیئت مدیره، سمت مدیر عاملی داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌گیرد (آنگرایی و سوربانی، ۲۰۲۱).

همچنین FRAUD متغیر وابسته پژوهش و نشان دهنده گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشد. جهت اندازه‌گیری گزارشگری مالی متقلبانه از مدل دستکاری سود بنیش^{۲۵} استفاده شده است. این مدل که در محیط اقتصادی آمریکا طراحی شده است، به علت متفاوت بودن معیار انتخاب شرکت‌های نمونه و قوانین و مقررات ایران با آمریکا، در این پژوهش از مدل تعدیل شده بنیش استفاده شده که مناسب محیط ایران است. بنابراین بر اساس مطالعه کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) مدل بومی‌سازی شده جهت اندازه‌گیری گزارشگری متقلبانه به شرح زیر می‌باشد:

$$Adj_{Mscore} = 0.002 + 0.665(TATA) + 0.257(Lev) + 0.024(SGAI) - 0.641(DEPI) + 0.19(Sgrowth) + 0.004(AQI) - 0.032(GMP) + 0.061(DSRI)$$

که در آن DSRI معیار فروش‌هایی که در حساب‌های دریافتی قرار دارند و برابر است با:

$$DSRI_t = \frac{\frac{REC_t}{Sales_t}}{\frac{REC_{t-1}}{Sales_{t-1}}}$$

در این معادله نیز REC حساب‌های دریافتی و Sales فروش می‌باشد.

AQI شاخص کیفیت دارایی می‌باشد و برابر است با:

$$AQI = \frac{1 - \left[\frac{(CA_t + PPE_t)}{Assests_t} \right]}{1 - \left[\frac{(CA_{t-1} + PPE_{t-1})}{Assests_{t-1}} \right]}$$

که در آن CA جمع دارایی‌های جاری، PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و Assests جمع کل دارایی‌ها می‌باشد.

DEPI شاخص هزینه استهلاک بوده و از طریق رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$DEPI_t = \frac{\frac{DEP_t}{PPE_t}}{\frac{DEP_{t-1}}{PPE_{t-1}}}$$

که در آن DEP هزینه استهلاک می‌باشد.

SGAI نیز شاخص هزینه‌های عمومی، اداری و فروش می‌باشد.

در نهایت، TATA شاخص مجموع ارقام تعهدی به مجموع دارایی‌ها می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

در جدول زیر داده‌ها و متغیرهای پژوهش به صورت توصیفی نمایش داده شده است. نتایج حاصل از جدول شماره یک نتایج مربوط به میانگین، بیشترین و کمترین مقدار و انحراف استاندارد متغیرهای مربوط به هر یک از شاخص‌های فشار، فرصت، توجیه، توانایی و غرور را نشان می‌دهد.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرها

شاخص	متغیر	نماد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف استاندارد
فشار (اتگیزه)	حاشیه سود ناخالص	GPM	۱۹/۴۵	۷۸۳/۷۴	-۱۳۸/۷۷	۳۸/۱۲
	رشد فروش	Sgrowth	۰/۲۵	۶/۵۹	-۰/۸۳	۰/۵۳
	رشد دارایی	Achange	۰/۲۳	۷/۱۵	-۰/۴۳	۰/۴۴
	نسبت حساب‌های دریافتی به فروش	Salar	۰/۰۱	۵۳/۱	۰/۰۰	۰/۰۸
	نسبت فروش به کل دارایی‌ها	Salta	۰/۹۲	۵/۱۴	۰/۰۰	۰/۵۸
	نسبت موجودی کالا به فروش	Insval	۰/۳۰	۲/۹۷	۰/۰۰	۰/۲۳
	اهرم مالی	Lev	۰/۵۷	۱/۲۷	۰/۰۵	۰/۲۰
	مالکیت مدیریتی	Own	۶۱/۹۶	۹۸/۰۵	۰/۰۰	۲۵/۵۶
فرصت	بازده دارایی	ROA	۱۱/۶۱	۶۰/۳۵	-۴۰/۴۵	۱۳/۶۷
	تفاضل نسبت حساب‌های دریافتی به فروش دوره جاری و دوره گذشته	Receivable	۰/۰۰۲	۱/۵۳	-۰/۸۴	۰/۰۸
	تفاضل نسبت موجودی کالا به فروش دوره جاری و دوره گذشته	Inventory	-۰/۰۰۴	۲/۸۱	-۲/۳۲	۰/۲۱
	استقلال هیئت مدیره	Bdout	۰/۶۶	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۸
	اندازه کمیته حسابرسی	Audsize	۳/۰۱	۵/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۵
	استقلال کمیته حسابرسی	IND	۰/۷۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۴
توجه	تغییر حسابرس	Audchang	۰/۲۵	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۳
	اظهار نظر حسابرس	Audreport	۰/۴۳	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۵۰
توانایی	تغییر مدیرعامل	Changedir	۰/۳۳۳	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۷
غرور	دوگانگی نقش مدیرعامل	Dualismposisi	۰/۸۵	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۶
گزارشگری مالی متقلبانه	گزارشگری متقلبانه	FRAUD	۰/۰۶	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۴

با توجه به نتایج حاصل از آمار توصیفی می‌توان بیان نمود که تنها حدود شش درصد از شرکت‌های نمونه، دارای گزارشگری مالی متقلبانه بوده و حدود ۹۴ درصد گزارشگری متقلبانه نداشته‌اند. در رابطه با شاخص‌های فشار، نتایج نشان می‌دهد که میانگین حاشیه سود ناخالص شرکت‌های مورد بررسی برابر با ۱۹/۴۵ بوده که وضعیت نسبتاً مطلوب شرکت‌ها

را نشان می‌دهد. همچنین میانگین رشد فروش و رشد دارایی به ترتیب برابر با ۰/۲۵ و ۰/۲۳ بوده مثبت بودن آنها نشان‌دهنده وضعیت پایدار شرکت‌های نمونه می‌باشد. افزون بر این، میانگین سایر شاخص‌های عامل انگیزه شامل نسبت حساب‌های دریافتی به فروش، نسبت فروش به کل دارایی‌ها، نسبت موجودی کالا به فروش، اهرم مالی، مالکیت مدیریتی، بازده دارایی به ترتیب برابر با ۰/۰۱، ۰/۹۲، ۰/۳۰، ۰/۵۷، ۶۱/۹۶ و ۱۱/۶۱ می‌باشد.

در رابطه با شاخص‌های عامل فرصت نیز نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد میانگین متغیرهای تفاضل نسبت حساب‌های دریافتی به فروش دوره جاری و دوره گذشته و تفاضل نسبت موجودی کالا به فروش دوره جاری و دوره گذشته به ترتیب برابر با ۰/۰۰۲ و ۰/۰۰۴- است. همچنین، میانگین استقلال هیئت مدیره نشان می‌دهد که حدود ۶۶ درصد از اعضای هیئت مدیره اعضای غیرموظف بوده که دارای استقلال می‌باشند. درخصوص اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی نتایج نشان می‌دهد که به طور میانگین اعضای کمیته حسابرسی ۳/۰۱ بوده که حدود ۷۰ درصد آن را اعضای غیرموظف تشکیل می‌دهد.

شاخص‌های مربوط به عامل توجیه (نگرش) شامل تغییر حسابرس و اظهار نظر حسابرس نیز نشان می‌دهد در ۲۵ درصد موارد طی دوره زمانی مورد بررسی، حسابرس شرکت‌ها تغییر یافته و حدود ۴۳ درصد از گزارش‌های حسابرسی شده مشروط بوده‌اند.

در نهایت مطابق با جدول آمار توصیفی فوق، میانگین متغیر تغییر مدیرعامل مربوط به عامل توانایی و متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل مربوط به عامل غرور نشان می‌دهد که طی دوره مورد مطالعه در ۳۳ درصد مواقع مدیرعامل شرکت‌ها تغییر یافته و همچنین حدود ۸۵ درصد از مدیران عامل نمونه مورد بررسی اعضای هیئت مدیره نیز بوده‌اند.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه‌ها

همان‌گونه که ذکر شد، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون لجستیک بهره گرفته شده است. فرضیه‌های پژوهش و نتایج مربوط به هر یک از فرضیه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱- فرضیه اول: فشار (انگیزه) با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

نتایج یافته‌ها از بررسی فرضیه اول پژوهش، در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب	انحراف استاندارد	آماره والد	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
گزارشگری مالی متقلبانه	حاشیه سود ناخالص	-۰/۵۴	۰/۱۵	۱۲/۴۱	۰/۰۰	تایید
	رشد فروش	۲/۴۵	۱/۰۲	۵/۷۹	۰/۰۲	تایید
	رشد دارایی	-۰/۴۹	۱/۷۳	۰/۰۸	۰/۷۸	رد
	نسبت حساب‌های دریافتی به فروش	-۲/۱۷	۸/۵۳	۰/۰۶	۰/۸۰	رد
	نسبت فروش به کل دارایی‌ها	-۰/۳۷	۰/۵۵	۰/۴۵	۰/۵۰	رد
	نسبت موجودی کالا به فروش	۰/۱۲	۱/۷۴	۰/۰۰۵	۰/۹۴	رد
	اهرم مالی	۸/۲۹	۳/۴۱	۵/۹۲	۰/۰۱	تایید
	مالکیت مدیریتی	۰/۰۲	۰/۰۲	۱/۴۱	۰/۲۳	رد
	بازده دارایی	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۸۴	۰/۳۶	رد
	عرض از مبدا	-۱۱/۱۸	۳/۵۰	۱۰/۱۸	۰/۰۰	تایید

نتایج حاصل از جدول ۲ نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مربوط به شاخص فشار، حاشیه سود ناخالص، رشد فروش و اهرم مالی با توجه به مقدار احتمال آنها که کمتر از مقدار بحرانی پنج درصد است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با گزارشگری مالی متقلبانه شرکت‌ها دارند. به طوری که حاشیه سود ناخالص رابطه معکوس و منفی با گزارشگری مالی متقلبانه داشته و رابطه رشد فروش و اهرم مالی نیز مستقیم و مثبت می‌باشد.

این نتایج نشان می‌دهد حاشیه سود بالا از طریق اطمینان بخشی به مدیران نسبت به عملکرد خوب شرکت، موجب کاهش فشار بر شرکت و کاهش گزارشگری مالی متقلبانه می‌گردد؛ با این حال، هر چه میزان رشد فروش و اهرم مالی که نشان دهنده اندازه و ساختار سرمایه شرکت هستند، بیشتر باشد، مدیریت را با افزایش فشار جهت مطلوب نشان

دادن عملکرد شرکت مواجهه نموده و منجر به افزایش احتمال گزارشگری مالی متقلبانه می‌گردد. به عبارتی دیگر، اهرم انگیزه شرکت‌ها برای مدیریت سود را به عنوان نتیجه پیامدهای نامطلوب مرتبط با پیش فرض‌های تعهدات بدهی فراهم می‌کند. همچنین، رابطه مثبت و مستقیم رشد فروش و گزارشگری مالی متقلبانه بیانگر آن است که با وجود رشد شرکت‌ها، مدیران جهت حفظ پایداری ظاهری با انگیزه تقلب در گزارشگری مالی مواجه می‌شوند.

۲- فرضیه دوم: فرصت با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم پژوهش، در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه دوم

نتیجه آزمون	مقدار احتمال	آماره والد	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر مستقل	متغیر وابسته
رد	۰/۵۹	۰/۲۹	۲/۱۳	-۱/۱۶	تفاضل نسبت حساب‌های دریافتی به فروش دوره جاری و دوره گذشته	گزارشگری مالی متقلبانه
رد	۰/۹۵	۰/۰۰۴	۰/۸۲	۰/۰۵	تفاضل نسبت موجودی کالا به فروش دوره جاری و دوره گذشته	
رد	۰/۰۹	۲/۸۶	۰/۹۱	-۱/۵۴	استقلال هیئت مدیره	
رد	۰/۹۰	۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۰۳	اندازه کمیته حسابرسی	
رد	۰/۹۷	۰/۰۰۲	۰/۷۵	۰/۰۳	استقلال کمیته حسابرسی	
تایید	۰/۰۴	۴/۱۸	۰/۹۲	-۱/۸۸	عرض از مبدا	

در رابطه با فرضیه دوم، نتایج نشان می‌دهد با توجه به مقدار احتمال تمام متغیرهای مستقل که از مقدار بحرانی پنج درصد بیشتر است، هیچ یک متغیرهای مربوط به شاخص فرصت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با گزارشگری مالی متقلبانه شرکت نداشته‌اند. در واقع،

فرصت که عاملی مرتبط با ساختار سازمانی است و از طریق شدت کنترل‌ها و نامناسب بودن کنترل‌های موجود و همچنین توانایی مدیریت برای زیرپا گذاشتن کنترل‌ها، می‌تواند زمینه فرصت ارتکاب تقلب را فراهم کند، اما مطابق با نتایج پژوهش می‌توان بیان نمود که در ایران، این عامل خنثی بوده است. به عبارتی دیگر، مدیران شرکت‌ها فارغ از شدت کنترل‌ها ممکن است اقدام به گزارشگری مالی متقلبانه نمایند.

فرضیه سوم: توجیه‌سازی با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

نتایج به دست آمده از بررسی فرضیه سوم پژوهش، در جدول ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه سوم

نتیجه آزمون	مقدار احتمال	آماره والد	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر مستقل	متغیر وابسته
رد	۰/۲۶	۱/۲۵	۰/۳۵	۰/۴۰	تغییر حسابرس	گزارشگری مالی متقلبانه
تایید	۰/۰۰۱	۱۱/۸۶	۰/۳۵	۱/۲۲	اظهار نظر حسابرس	
تایید	۰/۰۰	۱۲۹/۳۲	۰/۳۱	۳/۵۳	عرض از مبدا	

نتایج برآورد مدل مربوط به فرضیه سوم نشان می‌دهد که با توجه به مقدار احتمال آماره والد، متغیر اظهار نظر حسابرس مربوط به شاخص توجیه که کمتر از مقدار بحرانی پنج درصد می‌باشند، رابطه بین اظهار نظر حسابرس و گزارشگری مالی متقلبانه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. در این رابطه می‌توان بیان نمود، در شرایطی که گزارش حسابرس به صورت مشروط باشد، با توجه به این که تحریف صورت مالی ممکن است دارای اثر با اهمیت بالا باشد، بنابراین، احتمال بروز تقلب در گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد.

با این حال نتایج نشان می‌دهد که با توجه به مقدار احتمال متغیر تغییر حسابرس که بیشتر از مقدار بحرانی پنج درصد بوده، تغییر حسابرس با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری ندارد.

فرضیه چهارم: توانمندی با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

نتایج مربوط به فرضیه چهارم پژوهش نیز در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه چهارم

نتیجه آزمون	مقدار احتمال	آماره والد	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر مستقل	متغیر وابسته
رد	۰/۲۰	۱/۶۵	۰/۳۳	۰/۴۲	تغییر مدیرعامل	گزارشگری مالی متقلبانه
تایید	۰/۰۰	۱۸۳/۹۹	۰/۲۱	-۲/۹۰	عرض از مبدا	

نتایج بررسی فرضیه چهارم مبنی بر رابطه توانمندی با گزارشگری مالی متقلبانه که از طریق شاخص تغییر مدیر عامل سنجیده شده، نشان می‌دهد که با توجه به آماره والد و مقدار احتمال آن که بیشتر از مقدار بحرانی پنج درصد است، فرضیه چهارم پژوهش رد خواهد شد. این نتایج بیانگر آن است که هر فردی با هر قابلیت و توانایی ممکن است تحت شرایطی از جمله فشارهای خارجی و داخلی مرتکب تقلب در گزارشگری مالی شود. به عبارتی دیگر، با توجه به نتایج می‌توان بیان نمود که مدیران فارغ از این که در دوره اول مدیریتی خود قرار دارند یا خیر، ممکن است از جایگاه خود سواستفاده کرده و اقدام به فعالیت‌های فرصت طلبانه و تقلب نمایند.

فرضیه پنجم: غرور با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

نتایج مربوط به فرضیه پنجم نیز به شرح جدول ۶ می‌باشد:

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه پنجم

نتیجه آزمون	مقدار احتمال	آماره والد	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر مستقل	متغیر وابسته
رد	۰/۱۷	۱/۸۷	۰/۶۱	۰/۸۳	دوگانگی نقش مدیرعامل	گزارشگری مالی متقلبانه
تایید	۰/۰۰	-۳۵/۳۸	۰/۵۹	-۳/۴۹	عرض از مبدا	

مشابه فرضیه چهارم پژوهش، بررسی فرضیه پنجم مبنی بر رابطه غرور با گزارشگری متقلبانه نشان می‌دهد با توجه به آماره والد و مقدار احتمال آن برای متغیر دوگانگی نقش مدیر عامل که کمتر از مقدار بحرانی پنج درصد می‌باشد، فرضیه پنجم پژوهش نیز رد می‌گردد. با توجه به این نتایج می‌توان بیان نمود که از نظر مدیران هیچ شخصی و جایگاهی نسبت به قوانین و سیاست‌های شرکت بالاتر نیست. بر همین اساس، قدرت مدیر عامل نیز

نمی تواند بر گزارشگری مالی متقلبانه اثر گذار باشد.

در گام بعدی، از آماره مربع کای به منظور آزمون نیکویی برازش مدل ارائه شده، استفاده می شود. نتایج محاسبه این آماره، در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷- نتایج محاسبه مربع کای

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار آماره χ^2	مدل
۰/۰۰	۹	۲۴۶/۰۵	مدل فشار
۰/۰۰	۵	۳۵۲/۱۴	مدل فرصت
۰/۰۰	۲	۱۴/۷۳	مدل توجیه
۰/۰۰	۱	۱۲/۶۱	مدل توانایی
۰/۰۱	۱	۱۲/۳۳	مدل غرور

همان گونه که در جدول هفت نشان داده شده است مقدار احتمال محاسبه شده برای این آزمون در هر پنج مدل بررسی شده از مقدار بحرانی پنج درصد کمتر است و به این معنی می باشد که از نظر آماری، معنی داری مدل برازش شده در سطح احتمال ۹۵ درصد پذیرفته می شود و مدل به دست آمده، مدل مناسبی است.

در گام بعدی، ضریب تعیین مدل برازش داده شده محاسبه شده است. نتایج حاصل از ضریب تعیین مدل به شرح جدول زیر می باشد.

جدول ۸- نتایج محاسبه ضریب تعیین

مدل	مرحله	منهای دو لگاریتم لاکلیهود	ضریب تعیین کاکس و اسنل	ضریب تعیین نگلکرک
مدل فشار	۱	۵۶/۱۱	۰/۳۱	۰/۸۵
مدل فرصت	۱	۲۹۹/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱۳
مدل توجیه	۱	۲۸۷/۴۴	۰/۰۲۲	۰/۰۶
مدل توانایی	۱	۳۰۰/۵۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷
مدل غرور	۱	۲۹۹/۸۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰

با استفاده از آماره کاکس و اسنل و همچنین نگلکرک، مقدار ضریب تعیین مدل نشان

می‌دهد که تقریباً ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (گزارشگری مالی متقلبانه) توسط متغیرهای مربوط به ابعاد فشار، تقریباً شش درصد توسط متغیرهای بعد توجیه و متغیرهای ابعاد فرصت، توانایی و غرور نیز هر کدام یک درصد از گزارشگری مالی متقلبانه را تبیین می‌کنند. طبق نتیجه آزمون مربع کای مشاهده شد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل‌های رگرسیون لجستیک معنی‌دار هستند و طبق جدول فوق، مقدار محاسبه شده برای نگلکرک تایید می‌کند که این مدل در مجموع تقریباً به طور منصفانه‌ای (۹۴ درصد) داده‌هایی را که مدل از آن گرفته شده‌اند، توضیح می‌دهد و چون دقت بالایی را نشان می‌دهد می‌توان بر اساس آن واحدهای تجاری دارای گزارشگری مالی متقلبانه را طبقه‌بندی نمود.

در گام بعدی دقت پیش‌بینی مدل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مربوط به بررسی دقت پیش‌بینی مدل به شرح جدول ۹ می‌باشد:

جدول ۹- نتایج محاسبه دقت پیش‌بینی مدل

مشاهده شده	پیش‌بینی شده			
	درصد صحت	وضعیت گزارشگری مالی متقلبانه شرکت		
		۰	۱	
وضعیت گزارشگری مالی متقلبانه شرکت	۰	۶۲۲	۱	۹۹/۸
	۱	۳	۳۷	۹۲/۵
درصد کل				۹۹/۴

مطابق با نتایج جدول ۹، دقت پیش‌بینی مدل به میزان رضایت بخش ۹۹/۴ درصد می‌باشد. و این بدین معناست که به طور متوسط انتظار می‌رود که مدل برآزش داده شده تقریباً با احتمال ۹۹/۴ درصد، متغیر وابسته و شرکت‌های دارای گزارشگری مالی متقلبانه را به درستی پیش‌بینی کند. همچنین این دقت برای تمییز شرکت‌های فاقد گزارشگری مالی متقلبانه در مقابل شرکت‌های دارای گزارشگری مالی متقلبانه، بهتر است.

بحث در مورد یافته‌ها

بحث در مورد تقلب گزارشگری مالی در عملیات تجاری و بازار سرمایه و همچنین اثرات مخرب آن بر تمام ذینفعان مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. فعالیت‌های متقلبانه مختلفی در بین شرکت‌ها وجود دارد که اثرات زیان‌باری از جمله

ادعاهای مشتریان، هزینه‌های قانونی و جریمه‌های قانونی را در پی خواهد داشت. علاوه بر این، فعالیت‌های متقلبانه می‌تواند به طور غیرمستقیم نیز آسیب‌هایی بر بازار رقابت محصول، فرصت‌های مالی و شهرت شرکت در پی داشته باشد که آثار مخرب‌تری دارد و ممکن است توسعه و پایداری شرکت را با مشکل مواجه کنند.

بنابراین، شناسایی عوامل موثر بر گزارشگری مالی می‌تواند در راستای شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه به ذینفعان شرکت‌ها کمک نماید که در این پژوهش با بسط و گسترش تئوری مشهور مثلث تقلب، گزارشگری مالی متقلبانه را در پنج بعد مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش که از طریق رگرسیون لجستیک صورت پذیرفته و مناسب بودن برازش مدل نیز مورد تایید قرار گرفته نشان داد که در بین پنج بعد مورد بررسی (فشار، فرصت، توجیه، توانایی و غرور) تنها متغیرهای مربوط به ابعاد فشار و توجیه با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری داشته است. به طور خاص نتایج این پژوهش نشان داد که در بین ابعاد فشار، حاشیه سود ناخالص به طور معکوسی با گزارشگری مالی متقلبانه در رابطه می‌باشد. همچنین رشد فروش و اهرم مالی رابطه مستقیم با گزارشگری مالی متقلبانه دارند. بر همین اساس می‌توان بیان نمود که انگیزه و فشار می‌تواند پیش‌بینی کننده تقلب در گزارشگری مالی شرکت‌ها باشد. همان گونه که ذکر شد، فشارهای ناشی از رشد فروش به منظور پایداری و سودآوری شرکت و احساس فشار اضافی ناشی از دریافت بدهی بیشتر برای رقابتی ماندن باعث شده است که مدیران در ارائه گزارشگری مالی اقدام به تقلب نمایند. با این حال، افشای گزارش منفی در رابطه با حاشیه سود می‌تواند موجب ایجاد تصویر منفی در بین ذینفعان و طرف‌های خارجی نسبت به شرکت گردد. بنابراین، حاشیه سود ناخالص رابطه منفی و معکوسی با گزارشگری مالی متقلبانه دارد. این نتایج همسو با مطالعه مانورونگ و هاردیکا^{۲۶} (۲۰۱۵) و لیون و ماهیندر^{۲۷} (۲۰۱۳) می‌باشد که رابطه بین عوامل رشد فروش و اهرم را با گزارشگری مالی متقلبانه مستقیم و معنادار نشان دادند.

علاوه بر این، نتایج همسو با مطالعه انگرینی و سوریانی (۲۰۲۱) نشان داد که هیچ یک از متغیرهای فرصت رابطه معناداری با گزارشگری مالی متقلبانه نداشته است. سایر نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که نظارت‌های حسابرسی رابطه معناداری با گزارشگری مالی متقلبانه نداشته و در واقع شرکت‌ها شانس داشتن نشانه‌های تقلب در

صورت نظارت کمیته‌های حسابرسی را نیز دارند. این نتایج نیز با مطالعه آپریلیا (۲۰۱۷) همسو می‌باشد.

همچنین، نتایج نشان داد از بین دو پروکسی توجیه، تنها اظهار نظر حسابرس دارای رابطه معکوس و معنادار بوده که نشان می‌دهد شاخص توجیه‌سازی می‌تواند گزارشگری مالی متقلبانه را تحت تاثیر قرار دهد. اظهار نظر مشروط حسابرس احتمال انجام گزارشگری مالی متقلبانه توسط مدیریت را کاهش می‌دهد. بنابراین، می‌توان بیان نمود هر چه شرکت توانایی‌های بهتری برای توجیه کردن یک عمل اشتباه داشته باشد، ظرفیت آن برای انجام تقلب بیشتر است. به عبارتی دیگر، مدیریت متوجه شده است که اقداماتش نوعی تقلب است، اما معتقد است که حق دارد و در خدمت بوده و تا حد زیادی به شرکت کمک کرده است. این نتایج نیز مطابق با مطالعه سوناردی و امین^{۲۸} (۲۰۱۸) و اوزچلیک (۲۰۲۰) می‌باشد و با مطالعه آردیانی و اوتامینینگسیه^{۲۹} (۲۰۱۵) در تضاد است که نشان داده‌اند منطقی‌سازی با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری دارد.

با این حال، این پژوهش از نظریه پنج ضلعی تقلب در رابطه با توانایی و غرور پشتیبانی نمی‌کند، که نشان می‌دهد توانایی و غرور با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری ندارند. در توضیح این نتایج می‌توان چنین فرض کرد که شرکت‌ها می‌خواهند عملکرد شرکت‌ها را با جایگزینی برخی مدیران با افراد شایسته‌تر بهبود بخشند. این نتایج نیز همسو با مطالعات آپریلیا (۲۰۱۷) و انگرینی و سوریانی (۲۰۲۱) می‌باشد.

به طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که فشار و توجیه‌سازی با گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معناداری داشته است، همانطور که در نظریه پنج ضلعی تقلب بیان شده است. با انعکاس نتایج این تحقیق، از سرمایه‌گذاران انتظار می‌رود که در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر گزارشگری مالی متقلبانه دقت بیشتری داشته باشند. برای سایر ذینفعان از جمله مدیریت، این یافته‌ها ممکن است به عنوان علائم هشدار دهنده گزارشگری مالی متقلبانه بالقوه برای کاهش خطر تقلب عمل کند. به طور کلی، با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، به استفاده کنندگان از گزارشگری مالی واحدهای تجاری پیشنهاد می‌شود که جهت تشخیص و تعیین اعتبار و همچنین کیفیت گزارش‌های ارائه شده توسط شرکت‌ها توجه و تمرکز بیشتری به عوامل فشار از جمله نسبت اهرمی، رشد فروش و حاشیه سود ناخالص و همچنین اظهار نظر حسابرسان داشته

باشند. همچنین با توجه به محدودیت‌های که در خصوص اطلاعات و داده‌های برخی عوامل از جمله غرور و توانایی وجود داشت، مطالعات آتی می‌تواند شاخص‌های بیشتری را درباره هر یک از عوامل پنج‌گانه، به ویژه عوامل غرور و توانایی که تاکنون شاخص‌های مرتبط کمتری در مورد آنها شناسایی شده پردازند و به نتایج دقیق‌تری دست یابند.

یادداشتها

1. Anggraini & Suryani
2. Fraud Triangle Theory
3. Donald Cressey
4. Mansor & Abdullahi
5. Wolfe and Hermanson
6. Marks
7. Jensen & Meckling
8. Stewardship Theory
9. Broken Trust Theory
10. Albrecht et al.
11. Lister
12. Skousen & Twedt
13. Aprilia
14. Oktarigusta
15. Utama et al.
16. Suryandari & Widyani
17. Sabatian & Hutabarat
18. Apriyani & Ritonga
19. Omar & Din
20. Puspitha & Yasa
21. Zainudin & Hashim
22. Ozcelik
23. Demetriades & Owusu-Agyei
24. Li
25. Benish
26. Manurung & Hardika
27. Leon & Mahendra
28. Sunardi & Amin
29. Ardiyani & Utaminingsih

منابع

- ابراهیمی، کاظم؛ بهرامی نسب، علی و باغیان، جواد. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی و رعایت حقوق سهامداران بر احتمال گزارشگری متقلبانه. *دانش حسابرسی*، ۱۷ (۶۹)، ۱۲۵-۱۴۹.
- اخگر، محمد امید و کرمی، افشار. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۱ (۴)، ۱-۲۲.
- اسماعیلی کیا، غریبه و اوشنی، محمد. (۱۴۰۱). پایداری مالی شرکت و گزارشگری مالی متقلبانه: نقش کیفیت ساز و کارهای راهبری شرکتی. *دانش حسابداری*، ۱۳ (۲)، ۸۳-۱۰۴.

برنا، محمدرضا؛ برادران حسن‌زاده، رسول؛ فضل‌زاده، علیرضا و بادآورنهنندی، یونس. (۱۴۰۱). الگوی عوامل مؤثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی با رویکرد حسابداری دادگاهی: بر اساس روش تحلیل مضمون (تم). پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۱(۲)، ۲۸۱-۳۲۰.

پسندیده فرد، فایزه؛ وادی‌زاده، کاظم و سپاسی، سحر. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبان و نادرست با استفاده از روش فراترکیب. حسابداری ارزشی و رفتاری، ۵(۹)، ۳۳۴-۳۰۱.

ثقفی، علی و حسن‌زاده دیوا، سید مصطفی. (۱۴۰۰). انگیزه‌های مدیریتی در گزارشگری مالی متقلبان با توجه به تئوری چشم‌انداز تجمعی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸(۴)، ۶۱۵-۵۹۸.

رحمانیان کوشککی، عبدالرسول و نویدی، انسیه. (۱۴۰۰). تأثیر تجربه و نفوذ مدیران بر رابطه بین صورت‌های مالی متقلبان و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ۱۱(۱)، ۱۱۸-۱۰۱.

رضازاده، جواد و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲)، ۲۱۷-۲۳۸.

رضائی پشته نوئی، یاسر و عبدالهی، احمد. (۱۳۹۸). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و احتمال گزارشگری متقلبان. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۲) (پیاپی ۴۰)، ۸۹-۱۰۴.

ساریخانی، مهدی؛ ایزدی‌نیا، ناصر؛ کریم‌زاده، سعیددائی. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر قصد گزارشگری تقلب با استفاده از مثلث تقلب و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده: از دیدگاه حسابداران، حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۶)، ۱۰۵-۱۳۵.

سجادی، سید حسین و کاظمی، توحید. (۱۳۹۵). پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۳)، ۲۰۴-۱۸۵.

کردستانی، غلامرضا و تاتلی، رشید. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۱)، ۷۳-۹۶.

لعل‌بار، علی و حسنی، محسن. (۱۴۰۰). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۵(۲۰)، ۱۴۱-۱۶۲.

مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و قنبرزاده، مجتبی. (۱۳۹۹). ارائه مدل گزارشگری مالی

- مبتنی بر مفهوم الگوی کسب و کار (BM). مدیریت بازرگانی، ۱۲(۴)، ۹۷۶-۱۰۰۵.
- مهرانی، کاوه و حصارزاده، رضا. (۱۳۸۷). مروری بر تئوری‌ها و مدل‌های کشف تقلب. دانش و پژوهش حسابداری، ۱۵(۱۵)، ۶-۱۱.
- Akhgar, M., & Karmi, A. (2013). Investigating the effect of company characteristics on the quality of financial reporting of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Accounting Reviews*, 1(4), 1-22. [in Persian].
- Albrecht, W., Albrecht, C. C., & Albrecht, C. O. (2004). Fraud and corporate executives: Agency, stewardship and broken trust.
- Anggraini, W. R., & Suryani, A. W. (2021). Fraudulent financial reporting through the lens of the fraud pentagon theory. *Jurnal Akuntansi Aktual*, 8(1), 1-12.
- Aprilia, R. (2017). Pengaruh financial stability, personal financial need, ineffective monitoring, change in auditor dan change in director terhadap financial statement fraud dalam perspektif fraud diamond. *Jurnal Online Mahasiswa (JOM) Bidang Ilmu Ekonomi*, 4(1), 1472-1486.
- Apriyani, N. (2019). Nature of industry dan ineffective monitoring sebagai determinan terjadinya fraud dalam penyajian laporan keuangan. *Jurnal Sains Manajemen Dan Akuntansi*, 11(2), 1-28.
- Ardiyani, S., & Utaminingsih, N. S. (2015). Analisis determinan financial statement melalui pendekatan fraud triangle. *Accounting Analysis Journal*, 4.(۱)
- Barna, M., Hassanzadeh brothers, R., Fazalzadeh, A., & Badavar Nahandi, Y. (2022). The pattern of factors affecting the occurrence of fraud in financial statements with a forensic accounting approach: based on the theme analysis method. *Applied Research in Financial Reporting*, 11(2), 281-320. [in Persian].
- Demetriades, P., & Owusu-Agyei, S. (2022). Fraudulent financial reporting: an application of fraud diamond to Toshiba's accounting scandal. *Journal of Financial Crime*, 29(2), 729-763.
- Ebrahimi, K., Bahrami Nasab, A., & Baghian, J. (2016). The effect of audit quality and respect for shareholders' rights on the possibility of fraudulent reporting. *Audit Science*, 17 (69), 149-125. [in Persian].
- Esmaili Kia, Gh., & Oshni, M. (2022). Corporate financial sustainability and fraudulent financial reporting: The role of

- quality and corporate governance mechanisms. *Accounting Knowledge*, 13(2), 83-104. [in Persian].
- Favored Fard, F., Vadizadeh, K., & Sepasi, S. (2019). Identifying factors affecting fraudulent and incorrect financial reporting using meta-composite method. *Value and Behavioral Accounting*, 5 (9), 334-301.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of financial economics*, 3(4), 305-360.
- Kaawaase, T. K., Nairuba, C., Akankunda, B., & Bananuka, J. (2021). Corporate governance, internal audit quality and financial reporting quality of financial institutions. *Asian Journal of Accounting Research*.
- Kordestani, Gh., & Tatli, R. (2015). Predicting profit manipulation: development of a model. *Accounting and Auditing Reviews*, 23(1), 73-96. [in Persian].
- Lalbar, A., & Hasani, M. (2021). Management ability, political communication and fraudulent financial reporting. *National Defense Strategic Management Studies*, 5(20), 141-162.
- Leon, F. M., & Mahendra, B. (2013). Detection and prediction of managerial fraud in financial performance of Indonesian Banks.
- Li, V. (2023). Groupthink tendencies in top management teams and financial reporting fraud. *Accounting and Business Research*, 1-23.
- Lister, L. M. (2007). A practical approach to fraud risk: comprehensive risk assessments can enable auditors to focus antifraud efforts on areas where their organization is most vulnerable. *Internal auditor*, 64(6), 61-66.
- Manurung, D. T., & Hardika, A. L. (2015). Analysis of factors that influence financial statement fraud in the perspective fraud diamond: Empirical study on banking companies listed on the Indonesia Stock Exchange year 2012 to 2014.
- Marks, J. (2012). The mind behind the fraudster's crime: Key behavioral and environmental elements. Crowe Howarth LLP (Presentation).
- Mansor, N., & Abdullahi, R. (2015). Fraud triangle theory and fraud diamond theory. Understanding the convergent and divergent for future research. *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Science*, 1(4), 38-45.

- Mehrani, K., & Hesarzadeh, R. (2008). A review of fraud detection theories and models. *Accounting Knowledge and Research*, 15 (15), 6-11. [in Persian].
- Mehrani, S., Moradi, M., & Qanbarzadeh, M. (2019). Providing a financial reporting model based on the concept of business model (BM). *Business Management*, 12(4), 1005-976. [in Persian].
- Oktarigusta, L. (2017). Terjadinya financial statement fraud di Perusahaan. *Jurnal Daya Saing*, 19(2), 93-108.
- Omar, N. B., & Din, H. F. M. (2010, December). Fraud diamond risk indicator: An assessment of its importance and usage. In 2010 *International Conference on Science and Social Research (CSSR 2010)* (pp. 607-612). IEEE.
- Ozcelik, H. (2020). An analysis of fraudulent financial reporting using the fraud diamond theory perspective: an empirical study on the manufacturing sector companies listed on the Borsa Istanbul. in contemporary issues in audit management and forensic accounting. Emerald Publishing Limited.
- Puspitha, M. Y., & Yasa, G. W. (2018). Fraud pentagon analysis in detecting fraudulent financial reporting (study on Indonesian capital market). *International Journal of Sciences: Basic and Applied Research*, 42(5), 93-109.
- Rahmanian Koushaki, A., & Navidi, A. (2021). The effect of managers' experience and influence on the relationship between fraudulent financial statements and the quality of financial reporting of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Advances in Finance and Investment*, 1(1), 118-101. [in Persian].
- Rezazadeh, J., & Mohammadi, A. (2018). Management ability, political communication and fraudulent financial reporting. *Accounting and Auditing Reviews*, 26(2), 217-238. [in Persian].
- Rezai Pitehnoi, Y., & Abdolahi, A. (2018). The ability to compare financial statements and the possibility of fraudulent reporting. *Financial Accounting Research*, 11(2(40)), 89-104. [in Persian].
- Sabatian, Z., & Hutabarat, F. M. (2020). The effect of fraud triangle in detecting financial statement fraud. *Jurnal Akuntansi*, 10(3), 231-244.
- Sajjadi, H., & Kazemi, T. (2015). *Accounting Empirical Research*, 6(3), 185-204. [in Persian].
- Sarikhani, M., Yazdiniya, N., & Karimzadeh, S. (2017). Investigating factors affecting the intention to report fraud using the fraud triangle and the theory of planned behavior: from the perspective of accountants, *Value and Behavioral Accounting*, 3(6), 105-135.

[in Persian].

- Skousen, C. J., & Twedt, B. J. (2009). Fraud score analysis in emerging markets. *Cross Cultural Management: An International Journal*, 16(3), 301-316.
- Sunardi, S., & Amin, M. N. (2018). Fraud detection of financial statement by using fraud diamond perspective. *International Journal of Development and Sustainability*, 7(3), 878-891.
- Suryandari, N. N. A., & Widayani, A. A. D. (2018). Financial statement fraud dalam perspektif fraud triangle. *Sekolah Tinggi Ilmu (STIE) Ekonomi Triatma Mulya*, 2(2), 111-126.
- Thaghafi, A., & Hassanzadeh Diwa, M. (2021). Managerial motivations in fraudulent financial reporting according to cumulative prospect theory. *Accounting and Auditing Reviews*, 28(4), 615-598.
- Utama, I. G. P. O. S., Ramantha, I. W., & Badera, I. D. N. (2018). Analisis faktor-faktor dalam perspektif fraud triangle sebagai prediktor fraudulent financial reporting. *E-Jurnal Ekonomi dan Bisnis Universitas Udayana*, 7(1), 251-278.
- Wolfe, D. T., & Hermanson, D. R. (2004). The fraud diamond: Considering the four elements of fraud.
- Zainudin, E. F., & Hashim, H. A. (2016). Detecting fraudulent financial reporting using financial ratio. *Journal of Financial Reporting and Accounting*.